

در جوانمردگی یک بازیگر

گروه فرهنگی/ لندن زندگی می‌کرد و به ایران رفت‌وآمد داشت و هروقت پروژه سینمایی بود می‌آمد کارش را انجام می‌داد و می‌رفت. از آن سلیبریتی‌های بی‌حاشیه‌ای بود که درباره هرچیزی حرف نمی‌زد و از خرد و کلان برای خودش مفر تبلیغ و خودنمایی نمی‌ساخت، بازی‌اش هم خوب بود و در هر نقشی که ظاهر شد از پس‌اش برآمد و شاید همین‌ها باعث محبوبیت‌اش شده بود. تا مدت‌ها هم کسی نمی‌دانست او نوه پروین سلیمانی است و نه تفاخری داشت به کسی نه آن را مزید بر علت موفقیت‌هایش می‌دانست. نام و شهرت این زن بازیگر ماه چهره خلیلی بود که ناگهان خبر آمد سرطان امان از جان و

زندگی‌اش گرفته و او را با خود به کام نیستی کشانده است. به‌هر صورت ماه‌چهره خلیلی جوان که دی‌ماه ۱۳۵۵ در تهران به دنیا آمده بود بعد از یک دوره تحمل بیماری ۱۷ مرداد ۱۳۹۹ در لندن از دنیا رفت. خلیلی در آکسفورد معماری خوانده بود و همان‌جا در لندن مدرسه بازیگری رفته بود و بازیگری در تلویزیون ایران را با سریال «مختارنامه» و بازی در سینما را با «چشمان سیاه» ایرج قادری شروع کرد و در پرونده کاری‌اش که از ابتدای دهه هشتاد باز شد، بازی در ۲۰ فیلم سینمایی و ۶ سریال دیده می‌شود که بخصوص سریال‌ها، از سریال‌های باکیفیت و پرمخاطب ایرانی محسوب می‌شوند.



خبر روز

ادامه از صفحه اول

غدير در چند پرده

کنار خیابان‌ها تخت‌هایی با فرش‌های مندرس خانه‌ها برپا می‌شد و هرکسی تئاتر، آواز و هر هنری که داشت با شادمانی به عرضه می‌پرداخت. مقایسه این‌جشن‌ها با دهه‌های اخیر که هرچه به پیش رفتیم جشن‌ها از نیاز اجتماعی، فرهنگی و مذهبی فاصله گرفت و به جشن‌های تلویزیونی، از هیات‌های سراسری و غیرمحلّی بزرگ با مداحان میدل شد، به مرور در پی این تغییرات، شیرین‌کامی فردی کم‌رنگ شد و آثار اجتماعی آن روبه‌افول گذاشت. در صورتی که با حفظ تنوع‌ها در شیوه بروز و عدم‌سختگیری‌ها، بنیادهای محلّی و حوزه عمومی شادی‌ها حفظ می‌شد.

من فکر می‌کنم جشن‌ها و عزاداری‌هایمان باید به متن اجتماعی و فرهنگی جامعه برگردد تا مقوم ماندگاری آثار آن شود.

در سنت ما، شعائر و مراسم در بخشی از سپهر عمومی جامعه قرار داشت در حوزه عمومی شکل می‌گرفت. ما به ترتیب طی سال‌ها اعیادمان و حتی عزاداری‌هایی را که در حوزه عمومی با آموزش مذهبی هم همراه بوده به حوزه دولتی نزدیک‌تر کردیم. مشاهدات نشان می‌دهد هنوز در روستاها، شهرهای کوچک و محلات سنتی با فرهنگ‌های متنوع این مراسم در حوزه عمومی صورت می‌گیرد. غدير و عاشورا و نیمه شعبان‌ها در ایام پیش‌گفته در سطح حوزه‌های عمومی جامعه زیسته می‌شد دیگر به شکل سابق نمی‌تواند تولید شخصی و خودجوش جامعه محسوب شود.

شاید آثار اجتماعی کرونا فرصتی باشد که این مسأله به‌طور کامل به حوزه خصوصی منتقل شود و آداب و رسوم سنتی و مذهبی و انتقال نسلی آن به‌خانه‌ها برده شود. فرصتی مناسب است تا خانواده را به محلّی برای جمع شدن‌های کوچک و مرور سنن و ارزش‌ها تبدیل کنیم.

■ پرده دوم: جامعه و آموزه‌های غدير

یکی از ویژگی‌های یادآوری روزها و برپایی جشن‌ها، بی‌تردید بازگشت به چیستی فرد یا ماجرابی است که پیرامون آن نام‌گذاری و نمادسازی صورت گرفته است. هرگاه مناسبتی با نام حضرت امیر(ع) شکل می‌گیرد، رمز جاودانگی و راز همبستگی جان و ذهن در فطرت انسانی با وی پدیدار می‌شود. با نگاهی ساده به آنچه از کودکی در مورد «امیر»مان شنیده یا خوانده‌ایم اگر بنا را بر تمرین این آموزه‌ها و نهادهین کردن آن در جان و دل بگذاریم، قطعاً جامعه‌ای انسانی‌تر و بهتر خواهیم داشت.

از جمله این آموزه‌های ارزشمند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خانواده محوری و تثبیت بنیان‌های آن، وفاداری مثال زدن حضرت امیر(ع) به حضرت فاطمه(س) و حفظ انسجام خانواده که آن را تبدیل به خاستگاهی برای کنش اجتماعی و کانون اولیه تربیت و آموزش و حتی کنش سیاسی (با فاصله‌ای کوتاه از عادات دوران جاهلیت اعراب) به گونه‌ای که سبب شد حضرت فاطمه(س) بتواند زن را به عنوان یک کنشگر اجتماعی و سیاسی مطرح کند.

از خانواده که عبور کنیم، در اولین سطح اجتماعی دیدن اقشار فرودست اجتماعی و حس کردن وضعیت آنها و نیز اقدام عملی برای دستگیری و تلاش برای تغییر وضعیت آنها را مشاهده می‌کنیم. بنابراین فعالیت شخصی آن حضرت در حوزه‌های خیرجمععی به صورت پنهان و آشکار یکی از نیازهای بزرگ جامعه امروز ایران است. رفتار عادلانه با همه ادیان و قومیت‌ها و احترام به قراردادهای اجتماعی چه در دوره حکومت و چه دوران انزوا، می‌تواند نمادی از رفتار انسانی و حقوق برابری باشد.

تفکیک بین امور شخصی و امور حکومتی که نمونه آن را در خاموش کردن چراغ بیت‌المال زمانی که طلحه و زبیر برای انجام کاری شخصی به دیدن امام علی(ع) آمدند می‌توان یافت، برقراری عدالت در بهره‌گیری از مواهب بیت‌المال در ماجرای برادرش عقیل به یک درس بزرگ تاریخی تبدیل شده است، برای امام علی(ع) هیچ‌گاه هدف، وسیله را توجیه نکرد؛ و معتقد بود حتی برای اهداف مقدس، مسیر باید سالم و عادلانه باشد. احترام به خرد جمعی و ماجرای بیعت‌ها، سایه‌سار شدن برای رشد و بالندگی دیگران و تکیه‌گاه بودن برای آدم‌های ضعیف جامعه از دیگر آموزه‌های حضرت امیر(ع) است. من در این نوشتار به بخش‌های بسیار کوچکی از رفتارهایی که به یاد داشتم اشاره کردم، چه خوب است که در نماد غدير آنگنان که مولایمان زیست را مرور کنیم.

بی‌شک زیست اخلاقی و انسانی جامعه در گرو مرور و نهادینه کردن فردی این آموزه‌هاست. در دوران سختی‌ها که هر کسی می‌خواهد یا قانون‌شکنی کند یا کلیم خود را از آب بیرون بکشد، اعتمادهای فردی و اجتماعی فروریخته چقدر با همین آموزه‌های ساده از غدير می‌تواند احیا شده و به زیست بهتری بینجامد.

■ واما پرده دیگر

بدون تردید غدير به عنوان یک واقعه و نماد غدير نمی‌تواند از آموزه‌های حکمرانی حضرت امیر دور باشد که مناسب است در هر غدير مروری کنیم بر این شیوه‌های حکمرانی و آموزه‌های آن برای همه. عید غدير بر همه انسان‌ها و هم‌میهنان مبارک باد.

موسیقی



هنر تالین

قطعه «نوای آدمیت» ساخته سهراب کاشف با حضور وزیران فرهنگ و بهداشت رونمایی و منتشر شد

ادای احترام ارکستر ملی ایران به کادر درمانی کشور

ندا سبحانی
خبرنگار

قطعه «نوای آدمیت» به همت بنیاد رودکی و به پاس قدردانی از مدافعان سلامت و کادر درمان، پنجشنبه ۱۶ مردادماه با حضور وزاری فرهنگ و ارشاد اسلامی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رونمایی شد. این اثر براساس تضمینی از اشعار سعیدی سروده محمدرضا کاشف و به آهنگ‌سازی و رهبری سهراب کاشف با همکاری ارکستر ملی ایران در تالار وحدت ضبط و اجرا شد. از ابتدای فروردین ماه تا به امروز ارکسترهای ملی ایران و سمفونیک تهران همسو با دیگر هنرمندان جامعه تلاش کردند در این روزهای پراسترس فضایی شاد و نشاط انگیز برای مردم ایجاد کنند که بازتاب‌های بسیار خوبی هم دریافت شده است. اما تازه‌ترین اجرای ارکستر ملی ایران حال و هوای دیگری داشت از چیدمان نوازندگان ارکستر بر روی صندلی‌های خالی از تماشاچی که نشان از شرایط حال حاضر امروز موسیقی داشت تا تصاویری از کادر درمان با استفاده از جلوه‌های ویژه که سازها را در مراکز درمانی به صدا درمی‌آورد حس عجیبی در این اثر موسیقایی به‌وجود آورده بود. نکته دیگر اینکه گروه کر نیز در طبقات بالکن تالار وحدت یکصد از بنی‌آدمی سخن می‌گفتند که از اعضای یک پیکرند و تاکید بر نگرش ایران و ایرانی به موضوع انسانیت از زبان سعیدی داشتند.

■ نمی‌خواستیم نظاره‌گر باشیم

سهراب کاشف خالق این اثر در گفت‌وگو با «ایران» درباره ایده شکل‌گیری این کار گفت: «اوایل اسفندماه بود که بیماری کرونا گسترش پیدا کرد و همه مردم در قرنطینه خانگی به سر می‌بردند و تقریباً تمامی مراکز فرهنگی و هنری و کلیه اجراهای صحنه‌ای تعطیل شد و همه مردم بهمت‌زده اخبار تلخی را از تلویزیون دنبال می‌کردند که چه بر سر دنیا آمده است. در همان زمان تصنیفی براساس اشعار سعیدی از سروده‌های پدرم دهنم را به خود مشغول کرده بود و براساس این شعر موسیقی در دهنم شکل گرفت. طرح اصلی ساخت اثر را همان روز روی کاغذ آوردم و چند روزی تمرکز کم فقط صرف اصلاحات اولیه و ارکستراسیون آن بود. تصور نمی‌کردم که اجرای این قطعه محال باشد اما با گذشت زمان مشخص شد مدت طولانی‌تری شرایط به این صورت خواهد بود و آرام آرام اجرای این اثر برپایم به یک علامت سؤال تبدیل شد که آیا اصلاً می‌توانیم این کار را در این شرایط اجرا کنیم یا خیر؟ چرا که اجرای این قطعه برای ارکستر سمفونیک و گروه کر نوشته شده بود یعنی حضور همه گروه‌های سازهای زهی بادی چوبی، بادی برنجی و کوبه‌ای و گروه کر. بنابراین باید با تعداد زیادی نوازنده و خواننده انجام می‌گرفت که طبیعتاً با شرایط همه‌گیری کرونا امکان‌پذیر نبود. بعد از آن به این فکر افتادم که شاید بتوان آن را ضبط کرد ولی باز هم ضبط چنین کاری با این تعداد نوازنده و خواننده در این شرایط، کار پیچیده‌ای بود. دلم هم راضی نبود صداها تک به تک در استودیو ضبط شود چون به هر حال نتیجه ضبط آنسامبل و گروهی کیفیت متفاوتی دارد و نمی‌توانستم و نمی‌خواستیم کیفیت را به خاطر سختی نادیده بگیرم. از یک طرف مشاهده اتفاقات جامعه در تلویزیون احساس وظیفه را در ما ایجاد می‌کرد و نمی‌خواستیم فقط نظاره‌گر اتفاقات باشیم. بنابراین تنها راه با وجود دشواری‌ها ضبط گروه‌های مختلف به‌صورت جداگانه بود.»

■ ضبط کار با تدبیر ویژه

او در ادامه درباره چیدمان ارکستر با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی گفت: «زمانی که ضبط کار آغاز شد موضوع تعداد نوازنده‌ها و درازنگساز درباره صندلی‌های خالی از تماشاچی و تجربه متفاوت تولید یک کار موسیقایی گفت: برای کسی که کار صحنه‌ای در سالن‌های مختلف اجرا کرده وقتی در این روزها با سالن‌های خالی از تماشاچی روبه‌رو می‌شود احساسی را تجربه می‌کند که در کلام قابل توصیف نیست. وقتی تالار وحدت را با صندلی‌های خالی دیدم احساس عجیبی به من دست داد. کار ما اجرای روی صحنه با حضور مخاطب است. برای کارهای اجرایی مانند تئاتر یا اجرای زنده موسیقی مخاطب در یک زمان و مکان در کنار اجراکنندگان حضور دارد و این پیوند و رابطه‌ای خاص بین مخاطب و اجراکننده است که بدون آن اجرا کامل نیست. طبیعتاً درک این تعامل و مسئولیتی که شما روی صحنه در قبال آن دارید دغدغه هر کسی است که روی صحنه کار می‌کند. تا آنجا که اطلاع دارم این کلیپ نمونه مشابه‌ای ندارد و محصولی کاملاً ایرانی از بسیاری جهات در نوع خود پیشگام است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم رونمایی این اثر که به میزبانی وزارت بهداشت انجام گرفت، گفت: «حوزه درمان کشور در طول سال‌های متمادی و تاریخ این کشور بویژه ۲۰ سال گذشته همیشه در کنار مردم بوده است. ما در دوران هشت‌ساله جنگ نیز شاهد همکاری و همیاری کادر پزشکی در کنار مدافعان وطن بودیم، این قشر تمام



نوازندگان ارکستر در جایگاه تماشاچیان قرار دارند و کادر درمانی صحنه را در اختیار گرفته‌اند و این بار ما هستیم که برای «نوای آدمیت» دست می‌زنیم که در واقع آنها سراینده آغایش هستند.

او افزود: «اگر قرار است کاری برای کادر درمانی و پزشکان و پرستاران انجام شود نیاز به دقت‌های بسیاری است تا زحمتی به زحمات آنها اضافه نکنیم چرا که اگر قرار بود خدای تعالی نکرده تولید این کارها آسانی به مبتلایان کرونا بیفزاید آن وقت این قدردانی ما باعث خستگی آنها بود. ما می‌خواستیم کار به نحوی انجام شود که هیچ بار اضافی بر دوش آنها نباشد و با افتخار اعلام می‌دارم که با مدیریت و برنامه‌ریزی دقیق در پروژه‌ای با این ابعاد ابتلا به کرونا صفر بود.»

■ قدردانی از کادر درمانی

سهراب کاشف درباره مسئولیت اجتماعی هنرمندان و وظیفه‌شان در قبال جامعه بیان کرد: «در این خصوص فقط در مورد خودم می‌توانم صحبت کنم. شاید توضیح آن در

همت خود را برای تلفات کمتر در جنگ به کار گرفت.»

سید عباس صالحی تاکید کرد: «جریان درمان کشور در مقاطع مختلف تاریخ ما جایگاه خاصی داشته است. تاریخ جنگ را شاید بدون تاریخ پزشکی آن نتوان نوشت، در زمان بمباران شیمیایی، همانند امروز که درگیر ویروس کرونا هستیم هیچ شناختی از

همت خود را برای تلاش‌های اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه در دوران شیوع ویروس کرونا تصریح کرد: حوزه فرهنگ و هنر نیز در این دوران به دنبال کادر درمان آمد و در این شش ماه جریان هنر کشور دوران پرافتخار خود را پشت سر گذاشت و مسئولیت اجتماعی خود را به‌خوبی انجام داد. امیدواریم هدیه کوچک امروز عرصه هنر به روحیه کادر درمانی کشور بیش از پیش کمک کند.

بازتاب‌دهنده قدردانی قلبی همه انسان‌ها از کادر درمان است که ارکستر ملی زبان آنها بود. همه ما در جامعه قدردان کادر درمان هستیم.»

او در پایان افزود: «عوامل بسیاری دست به دست داده تا این اتفاق خوب شکل بگیرد و تمام دقت و حساسیت‌هایمان را به کار گرفتیم تا نتیجه آن تا جایی که در این شرایط مقدور است درخور باشد. همه این کارها با عشق و خالصانه انجام گرفته و از دل برخاسته است. این پروژه به اندازه مجموع یک کار سینمایی و کنسرتی بزرگ پیچیدگی‌های بسیاری داشت که حتی در شرایط عادی هم انرژی مضاعفی را می‌طلبد اما شرایط کنونی ما را وادار کرد تا مسیرهایی عبور کنیم که غیرعادی هستند. البته همه این زحمات در قبال زحماتی که کادر درمانی در شرایط سخت متحمل شده‌اند ناچیز است و امیدواریم با این هماهنگ پیام قدردانی‌مان به گوش همه پزشکان، پرستاران و کادر درمان برسد.»

تقدیر